

پژوهش‌های حقوقی

شماره ۱۱

هزار و سیصد و هشتاد و شش - نیمسال اول

مقالات

- گرایش به پذیرش و توسعه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی
- حقوق در بند سیاست: تحلیل قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت
- امکان توسل به دفاع مشروع برای مبارزه با تروریسم
- مسأله اساسی‌سازی نظم حقوقی
- بیمه مهر: لزوم تبیین، بازنگری و اصلاح ساختار آن
- مسئولیت مرتکب به پرداخت هزینه‌های درمانی مازاد بر دیه
- ارزیابی الزام دولت به ابتکار قانون در اسلوب تعامل قوا در ایران

موضوع ویژه: جنبه‌های حقوقی شبیه‌سازی انسانی و درمانی

- ابعاد حقوقی - اخلاقی همسانه‌سازی
- کرامت بشری و شبیه‌سازی انسان
- مبانی منع شبیه‌سازی انسان
- چالش‌های شبیه‌سازی درمانی انسان
- سیاست جنائی سازمان ملل در قبال شبیه‌سازی انسان

نقد و معرفی

- ارزیابی و نقد برخی محورهای قانون جدید دیوان عدالت اداری
- نقدی بر ماده ۱۸ اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب





سیاست جنائی سازمان ملل در قبال شبیه‌سازی انسان

محمد جعفر ساعد*

چکیده: شبیه‌سازی انسان پدیده‌ای نوین در جامعه انسانی است که به واسطه قابلیت‌های آن و برآیندهای مثبت و منفی آن در گستره اجتماع موجب واکنش‌های گونه‌گون در عرصه‌های مختلف علوم بشری شده است. علوم جنائی بین‌المللی به منزله اهرم وزین سیاست جنائی بین‌المللی که حافظ نظم و پاسدار ارزش‌های اخلاقی، دینی و اجتماعی جامعه انسانی در گستره بین‌المللی است در قبال هر پدیده نوین انسانی به اتخاذ پاسخی مناسب آن اهتمام می‌ورزد. در این راستا، پدیده شبیه‌سازی، اندیشمندان و متفکران علوم مختلف و بازیگران اجتماع بشری را به پاسخ و واکنش واداشته است. در این نوشتار به سیاست جنائی بین‌المللی (با محوریت سازمان ملل متحد) در قبال این پدیده به عنوان واقعه‌ای مجرمانه (جنایت) پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: شبیه‌سازی، شبیه‌سازی توالدی، شبیه‌سازی پژوهشی، اشتقاق رویان، جرم‌انگاری، سیاست جنائی.

درآمد

تولد شبیه‌سازی انسان و تلقی آن به عنوان جلوه‌ای از تکنولوژی‌های توالدی،^۱ کمکی در جهت توجیه آن و راهکاری برای کمک به زوجین نابارور، در عرصه اجتماع انسانی بویژه از منظر رویکردهای مذهبی - دینی و نیز اخلاقی، واکنش‌هایی را به همراه داشته که ماحصل آن تأثیر بر جامعه حقوقی و ضرورت اتخاذ یک راهبرد متناسب با شرایط

* دانشجوی دوره دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی.

¹ Assisted Reproductive Technologies.

موجود و همسو با این رویکردهاست. از آنجا که حقوق هر اجتماعی، به نوعی برگرفته از اخلاق و رویکردهای مذهبی - دینی آن اجتماع است - اگرچه نمی‌توان تأثیر حقوق را بر اخلاق نیز منکر شد - لذا، در پرتو واکنش‌های اخلاق و ادیان در قبال این فناوری، حقوق و اندیشمندان حقوقی تحت تأثیر این پاسخ‌ها، به اتخاذ تدابیری همت گمارده‌اند که در ابعاد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی قابل توجه و تأمل است.

در این نوشتار، ضمن تأکید بر رویکرد تابعان حقوق بین‌الملل در عرصه بین‌المللی در چارچوب سازمان ملل به عنوان رکن رکن اجماع آنها، به پیشینه اجمالی فعالیت‌های این سوژه‌ها در سطح بین‌المللی به منظور تدوین معاهده‌ای که مبین رویکرد غالب آنها در قبال این پدیده باشد، پرداخته (بند نخست) و جرم‌انگاری شبیه‌سازی انسان به مثابه برآیند تلاش‌های آنها و در نتیجه، مفهوم، دامنه و مسؤولیت اشخاص حقوقی در قبال آن (بند دوم) و دامنه جرم‌انگاری شبیه‌سازی انسان (بند سوم) و سرانجام تدابیر کنشی و واکنشی (بند چهارم) مورد مذاقه قرار می‌گیرد.^۲

بند نخست: پیشینه و سیر تکوین پیش‌نویس کنوانسیون

در هفتم اوت ۲۰۰۱، فرانسه و آلمان به سازمان ملل پیشنهاد دادند که معاهده‌ای در راستای مبارزه با شبیه‌سازی و بازآفرینی انسان از تصویب بگذرانند. آنها به لحاظ ماهیت چندبعدی و پیچیدگی‌های قانونی این پدیده بر این عقیده بودند که باید کمیته ششم مجمع عمومی به‌طور کامل به این مسأله اختصاص یابد. پیشرفتهای بیوتکنولوژی، امروز، مسائلی در مورد سلامتی آدمی و اندیشه‌های اخلاقی نوین را به منصفه‌ظهور

^۲ شایان ذکر است که در اتخاذ اینگونه رویکرد از سوی تابعان حقوق بین‌الملل در عرصه بین‌الملل و در قالب سازمان ملل متحد و برخی از آنها در عرصه ملی، اقدامات سازمان بهداشت جهانی، یونسکو و بویژه کمیسیون حقوق بشر را نباید نادیده گرفت. چراکه تأکید مؤکد بر کرامت انسانی و حفظ آن، که یکی از استدلالات مسلم مخالفان اعمال این فناوری است، خود گل‌واژه‌ای از اندیشه‌های نظام حقوق بشر یا حقوق حقوق بشر است که رعایت آن از سوی حقوق بین‌الملل بشر، بر تمامی دول و سوژه‌های حقوق بین‌الملل گوشزد گردیده است. نک: محمد تیموری، «بررسی منابع حقوق بشر بین‌الملل در مورد شبیه‌سازی درمانی انسان»، در: *اخلاق زیستی (بیواتیک) از منظر حقوقی، فلسفی و علمی (مجموعه مقالات)*، انتشارات سمت، چاپ اول، پائیز ۱۳۸۳، ص ۲۱.

می‌رساند. تا بدانجا که پژوهشگران و محققان را بر این قصد رهنمون شده است که در آینده نزدیک شبیه‌سازی و بازآفرینی را به موجودات انسانی نیز تسری دهند. حال آنکه این امر در قبال کرامت و هویت انسانی مشکلی اساسی و جدی تلقی می‌شود که ضرورت اقدامی فوری علیه آن را بیش از پیش گوشزد می‌کند. در حالی که امروزه، واقعیت امر این است که صرفاً تعداد اندکی از محققان و نهادهای علمی، قابلیت تکنیکی در اجراء چنین فعالیتهایی را دارند؛ تردیدی وجود ندارد که چنین اعمالی بر تمام خانواده انسانی تأثیر خواهد گذاشت.^۳ از این روست که اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر در ماده ۱۱، بر این امر تأکید می‌نماید که اعمالی نظیر شبیه‌سازی بازآفرینی انسان، که مخالف کرامت انسانی است نباید مجاز باشد.^۴

در واقع، در پاسخ بدین چالش است که پیشنهاد اقدامی عملی در جهت تمهید سندی بین‌المللی در راستای منع همانندسازی تولیدمثلی انسان از سوی این دو کشور ارائه شد. آنان به مجمع عمومی سازمان ملل پیشنهاد دادند که در پنجاه و ششمین جلسه خود، در خصوص تصمیم برگزاری مذاکراتی برای تهیه سندی بین‌المللی حقوقی مبنی بر منع همانندسازی بازآفرینی موجودات انسانی را در قالب قطعنامه پیشنهادی خود از تصویب بگذرانند.

بر این مبنا در کنار یادداشت تبیینی^۵ پیشنهاد مزبور، این دو کشور ضمن یادآوری اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر، قطعنامه ۵۳/۱۵۲، ۹ دسامبر ۱۹۹۸ و قطعنامه ۲۰۰۰/۷۱^۶ کمیسیون حقوق بشر و بویژه پیشگیری از خطر ناشی از این پدیده بر کرامت انسانی افراد و نگرانی تسری تحقیقات مربوط به شبیه‌سازی به انسانها، قطعنامه مزبور را که مشتمل بر پیش‌بینی تشکیل کمیته آزاد ویژه‌ای در شصت‌مین کمیته جهت تنظیم دستور انجام چنین اقدامی و برگزاری آن بود به سازمان ملل پیشنهاد دادند. متعاقب ارائه درخواست کمیته ششم در قالب کارگروه به مجمع عمومی

^۳ UN.DOC.A/56/192, p.2.

^۴ اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر به وسیله سازمان آموزشی، فرهنگی و علمی سازمان ملل (یونسکو) تهیه و در طی قطعنامه ۱۳۵۳/۱۵۲ از تصویب مجمع عمومی این سازمان گذشت.

^۵ Explanatory memorandum

^۶ به موجب این قطعنامه، اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر به تصویب رسید.

^۷ این قطعنامه تحت عنوان «حقوق بشر و بیواتیک» در پنجاه و هفتمین جلسه کمیسیون به تصویب رسید.

در خصوص تدوین معاهده‌ای در راستای منع شبیه‌سازی بازآفرینی انسان، دولت کاستاریکا، نیز، پیش‌نویس معاهده^۸ درمقابل با این پدیده را به دبیرکل مجمع عمومی ارائه داد با این تفاوت که پیش‌نویس مذکور همه اشکال شبیه‌سازی انسان را در بر می‌گرفت. در حالی که اکثر قریب به اتفاق اسناد مصوب مجمع عمومی در خصوص این فناوری، صرفاً شبیه‌سازی بازآفرینی را شامل می‌شدند.

بند دوم: جرم‌انگاری شبیه‌سازی انسان، مفهوم، دامنه و مسؤولیت اشخاص حقوقی در قبال آن پیش‌نویس کنوانسیون^۹ موصوف پیرو فرایند تکوینی پیشتر که از نظر گذشت، نظر به اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر و بویژه ماده ۱۱ آن و قطعنامه شماره ۵۳/۲۵۲ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۹۸ که در آن مجمع عمومی اعلامیه پیشین را تصویب نمود و لحاظ قطعنامه شماره ۲۰۰۱/۷۱ مورخ ۲۵ آوریل ۱۹۷۱ کمیسیون حقوق بشر تحت عنوان «حقوق بشر و اخلاق زیستی»^{۱۰} و همگام با اعلامیه جهانی حقوق بشر در راستای شناسایی کرامت و حیثیت ذاتی و تساوی حقوق لاینفک همه اعضای خانواده انسانی که شالوده آزادی، عدالت و منع در جهان است. و نیز با این اعتقاد که شبیه‌سازی انسان بر اساس هر مقصودی غیراخلاقی و ناقض کرامت انسانی و حقوق اساسی بشر بوده و تحت هیچ شرایطی موجه و مقبول نمی‌باشد، در راستای احترام به حقوق اساسی و مصالح افراد انسانی و رفع نگرانی‌های حاصل از مطالعات اقدامات راجع به شبیه‌سازی انسان و جلوگیری از سوء استفاده از جسم آدمی و اعضای وی در راه کسب درآمد و منافع مالی، به عنوان اقدامی پایدار و دائمی در سطح بین‌الملل، از سوی کشور کاستاریکا تهیه و به مجمع عمومی و دبیرکل سازمان ملل پیشنهاد شده است. این پیش‌نویس چهاررکن اساسی را در بر می‌گیرد:

الف) تعریف جرم شبیه‌سازی انسان (ماده ۲):

ب) تعهد دول عضو به جرم‌انگاری این فعل و توسعه صلاحیت بر ارتکاب و مجازات یا استرداد مجرمان (مواد ۳، ۵، ۷، ۸)؛

ج) تعهد دول عضو به اتخاذ تدابیری در جهت پیشگیری از چنین افعالی از جمله نظارت بر آزمایش‌های مربوط به ماده ژنتیک انسان (ماده ۱۲)؛

⁸ UN.Doc.A./C.b/57/L.8 and Corv.1

⁹ Draft international Convention on the prohibition of all from of human Cloning.

¹⁰ Human Rights and bioethics.

د) سلسله مقرراتی در جهت تسهیل همکاری قضائی و پلیسی در این زمینه (مواد ۹ و ۱۰).

در این مقاله سعی بر آن است که محتویات و مسائل مقرر در این پیش‌نویس به عنوان سندی که در آینده نزدیک تصویب و قابلیت اجرائی خواهد یافت، تحلیل و مورد امعان نظر قرار گیرد.

نظر به اینکه پیش‌نویس معاهده مزبور، به جرم‌انگاری این فناوری همت گمارده است (۱) و دامنه آن را به «شبیه‌سازی بازآفرینی یا تولیدمثلی» محدود نموده و به تمامی اشکال آن تسری داده (۲) و اشخاص حقوقی را در کنار اشخاص حقیقی مسئول انگاشته است (۳)، کوشش آن است در این بند به اجمال این موضوعات مورد مذاقه قرار گیرند.

۱. مفهوم شبیه‌سازی انسان از منظر طرح معاهده

آنگونه که آشکار و مبرهن است، تهیه پیش‌نویس معاهده مزبور و اقدامات اتخاذی در این راستا، به منظور منع و یا به عبارتی صحیح‌تر، جرم‌انگاری اینگونه از فناوری‌های تولیدمثلی است. در راه تحقق این هدف، ماده ۲ پیش‌نویس به این مسأله اختصاص یافته است. بر اساس این ماده، هر کس مرتکب اعمالی نظیر انتقال هسته سلول پیکری یا اشتقاق رویان شود که در نتیجه آن موجودی زنده یا قبلاً زنده باشد، مرتکب جرم^{۱۱} مشمول این معاهده شناخته می‌شود.

در این مجال، در پرتوآموزه دو عنصری بودن جرم^{۱۲} عناصر مادی و معنوی این جرم مورد تدقیق و تحلیل قرار می‌گیرد.

^{۱۱} لازم به یادآوری است که در ادبیات حقوقی کشورمان واژه جرم معادل offence و واژه جنایت معادل crime گرفته شده است و از سوی دیگر آنچه که در عرصه حقوق کیفری داخلی کشورها «جرم» انگاشته می‌شود در حقوق بین‌الملل «جنایت» نامیده شده است. در این نوشتار به واسطه بررسی و تحلیل پیش‌نویس از منظر حقوق کیفری و جرم‌شناسی از واژه «جرم» و معادلهای آن در جرم‌شناسی استفاده شده است.

^{۱۲} حسین میرمحمد صادقی، جرائم علیه اموال و مالکیت، تهران، نشر میزان، چاپ ششم، پائیز ۱۳۷۸، ص ۵۲.

الف - عنصر مادی

در ادبیات حقوق کیفری خارج از موارد استثنائی و معین، جرم زمانی محقق می‌شود که در عالم خارج و واقعی، برای آدمی قابل لمس و مشاهده باشد. از این منظر، برای تحقق جرم شبیه‌سازی انسان، نیاز به عملی است که از سوی «مجرم» ارتکاب یابد و «موجود زنده‌ای» را به همراه داشته باشد. پس، براین اساس، برای ارتکاب عنصر مادی این جرم وجود «شخصی» برای ارتکاب آن و «عملی» که از سوی وی به منصفه ظهور برسد و خلق یک فرد به عنوان حاصل و برآیند این فرایند ضروری است.

نخست، در ماده ۲ پیش‌نویس برای تحقق جرم همانندسازی آدمی به «هر کس» اشاره شده است که بیانگر این امر است که هر شخصی اعم از حقیقی و حقوقی را در بر می‌گیرد. زیرا در لسان حقوقی، شخص «عبارتست از فردی که واجد حق و تکلیف است»^{۱۳} یعنی واجد اهلیت تمتع و استیفاست و از آنجا که برای شخص حقوقی نیز مانند فرد حقیقی، چنین شخصیت حقوقی متصور می‌شود، لذا می‌توان از واژه عام و مطلق صدر ماده مزبور چنین استنباط نمود. از سوی دیگر، برهان دیگری که مدعای پیش‌گفته را تأیید می‌کند، ماده ۴ پیش‌نویس است که با عنوان «مسئولیت اشخاص حقوقی» آنها را مستحق مجازات در صورت ارتکاب جرم همانندسازی می‌داند.

به علاوه، این شخص که می‌تواند حقیقی یا حقوقی باشد، برای اینکه در ادبیات حقوق کیفری، متهم و بزه‌کار نامیده شود، باید با «عملی» که گام ضروری ارتکاب جرم است، به این فرایند مجرمانه پایان دهد. در این راستا، نگرش پیش‌نویس بر این است که عمل مزبور، باید «ایجابی» باشد نه سلبی. بدین معنا که این جرم صرفاً در قالب عملی که در خارج روی دهد، محقق می‌گردد و به صورت ترک فعل نمی‌تواند به وجود بیاید. در تعریف پیش‌نویس از جرم مزبور، در راستای تبیین هر چه بیشتر آن به مصادیقی از این اعمال اشاره شده است. از آنجا که در ماده مزبور قبل از بیان مصادیقی همچون انتقال هسته پیکری و انشقاق رویان، عبارت «از قبیل» آمده است، گویای این امر است که مصادیق مذکور جنبه تمثیلی دارد و گونه‌های دیگری را نیز که در آینده می‌تواند خلق شوند در بر می‌گیرد. در چارچوب توجیهی و تبیینی پیش‌نویس در این

^{۱۳} سیدحسین صفایی، اشخاص و مجبورین، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۴۵.

راستا چنین آمده است:

عبارت «از قبیل انتقال هسته سلول پیکری یا انشقاق رویان» مقرر در پیش‌نویس به عنوان مثال، دو تکنیکی است که معمولاً در آزمایشهای شبیه‌سازی اعمال می‌شود و منحصر بدین دو تکنیک نیست بلکه در خصوص منع هرگونه تکنیک دیگری که ممکن است در آینده به وجود آید، قابل اعمال است».

دوم، در لسان حقوق کیفری، به گونه‌ای، جرائم به مطلق و مقید تقسیم می‌شوند. زمانی که عمل یا ترک عمل، واجد و مقید به نتیجه‌ای باشد، مقید و الا مطلق است. سؤالی که مطرح می‌گردد اینکه، جرم شبیه‌سازی انسان بنا بر تعریف مقرر شده در ماده ۲، نیازمند حصول نتیجه هست یا خیر؟ نظر به تعریف موصوف، عملی به جرم شبیه‌سازی آدمی می‌انجامد که «خلق موجود زنده‌ای» را به همراه داشته باشد و از این منظر تفاوتی ندارد که این موجود زنده در چه مرحله‌ای از رشد فیزیکی باشد. از این رو، جرم همانندسازی بشر، جرمی است «مقید» و تا زمانی که فعل ارتكابی منجر به خلق موجود زنده‌ای نشود، جرم مزبور تام تلقی نشده و از دامنه تعریف این جرم خارج می‌گردد. اما مسأله به همین سادگی نیست: زیرا موجود زنده‌ای که به وجود می‌آید، باید عیناً به لحاظ ژنتیکی نیز مشابه فرد دهنده باشد. لذا علاوه بر اینکه فرایند ارتكابی فرد بزه‌کار، نه تنها باید منجر به خلق یک فرد شود، بلکه باید مشابه فرد دهنده هسته سلول پیکری نیز باشد. در این زمینه دو نکته قابل توجه است:

الف) ذکر این عبارت «زاید» به نظر می‌رسد. زیرا فرایند ژنتیکی شبیه‌سازی که از طریق انتقال هسته سلول پیکری یا حتی در انشقاق رویان صورت می‌گیرد، خواه نا خواه، شباهت مزبور را به همراه دارد و فرضی که در آن بتوان این «شباهت عینی» را متصور ندانست، تا به امروز، محقق نشده است.

ب) این مسأله به نظر می‌رسد که دامنه جرم مزبور را «محدود» می‌کند و این ذهنیت را در افرادی که در جهت کسب مقاصد سیاسی یا اقتصادی‌اند، ایجاد می‌کند که در صدد ایجاد تکنیکی باشند تا این شباهت را به همراه نداشته باشد و از این طریق، مفری برای رهایی از چنگال تیز عدالت کیفری بیابند.

نکته‌ای که ذکر آن خالی از فایده نیست اینکه، پیش‌نویس با ذکر عبارت «در هر مرحله از رشد فیزیکی»، موجود زنده را به مرحله قبل از متولد شدن نیز تسری می‌هد. در چارچوب توجیهی پیش‌نویس، در این خصوص چنین تقریر شده است که:

«عبارت» در هر مرحله‌ای از رشد فیزیکی «منع همه اشکال شبیه‌سازی را عملی می‌سازد، زیرا عبارت مزبور، خلق ارگانیسم زنده را از اولین لحظه حیاتش منع می‌کند». به نظر می‌رسد که این عبارت واجد ابهام باشد. بدین بیان که نخستین لحظه حیات، چه زمانی است؟ آیا زمان انعقاد نطفه است یا زمان ولوج روح یا زمان تولد وی از مادر؟ اگرچه از منظر تهیه‌کنندگان پیش‌نویس این امر از بدیهیات بوده است، اما به لحاظ تنوع اندیشه‌ها در این خصوص ابهام همچنان باقی است. از سوی دیگر به نظر می‌رسد، پیش‌نویس این عبارت در تعریف این جرم عنوان کنوانسیون در تعارض باشد. زیرا در چارچوب توجیهی معاهده، به صراحت بدین امر تأکید شده است که «عنوان پیش‌نویس شامل «شبیه‌سازی انسان» است نه «شبیه‌سازی موجودات انسانی». لذا، رابطه این دو از نسب اربعه، عموم و خصوص مطلق است. یعنی شبیه‌سازی انسان اخص از دیگری است و از این منظر که شبیه‌سازی انسان شامل فردی است که در قید حیات است و در دنیای خارج گذران عمر می‌نماید و شبیه‌سازی موجودات انسانی شامل مرحله قبل از تولد فرد یعنی مرحله جنینی و حمل نیز می‌شود، با عبارت «در هر مرحله‌ای از رشد فیزیکی» که مندرج در تعریف این جرم در تضاد است.

چهارم، اگر فردی اعم از حقیقی یا حقوقی با علم و عهد، مبادرت به شبیه‌سازی انسان به یکی از طرق مذکور در ماده ۲ پیش‌نویس و بدون اراده خود، به واسطه عوامل خارجی نتواند به قصد خود جامه عمل بپوشاند و فعل وی منجر به نتیجه مورد نظرش یعنی خلق موجود زنده نشده، قابل تعقیب و مجازات است یا خیر؟

در حقوق کیفری، برای حفظ نظم عمومی جامعه، گاهی اوقات، جدای از جرم تام پیش‌بینی شده، برخی افعال که در فرجام آن جرم تام محقق نمی‌شود، قابل تعقیب و فرد خاطی به واسطه انجام آن قابل مجازات تلقی می‌شود. از این رهگذر در کنار جرائم تام، نهادهایی همچون شروع به جرم، عقیم و محال پیش‌بینی شده‌اند. در این میان، سؤال مطروحه دلالت بر «شروع به جرم شبیه‌سازی انسان» دارد که در پیش‌نویس نیز به حق در بند ۲ ماده ۲ بدان اشاره شده است. به موجب این بند:

«هر کس که به شروع به ارتکاب جرم مندرج در بند ۱ این ماده مبادرت ورزد، مجرم شناخته می‌شود».

بنابراین بند، کسی که به شبیه‌سازی انسان اقدام نماید و به واسطه عاملی خارجی نتواند به نتیجه دلخواه خود برسد، مرتکب شروع به جرم شبیه‌سازی شده و عمل وی در حکم جرم تام، شبیه‌سازی انسان بوده و مجازات مباشر این جرم تام خواهد بود. زیرا با عنایت به بند مذکور، تفکیکی به لحاظ مجازات مابین مباشر جرم تام و شروع به جرم همانندسازی بشر وجود نداشته و هر دو «مجرم» تلقی شده‌اند. اما آنچه که بدان اشاره شد، بزهکاری بود که خود مستقیماً مبادرت به ارتکاب عمل مادی این جرم می‌نمود و از منظر حقوق کیفری عمومی «مباشر» تلقی می‌گردید. بدیهی است در کنار «مباشر» در حقوق کیفری عمومی، «معاون» و «شرکا» و «فاعل یا مباشر معنوی» نیز مطرح می‌شوند که در خصوص اکثریت قریب به اتفاق جرائم، حسب مورد، تعقیب، محکوم و مجازات می‌شوند و در این زمینه، جرم شبیه‌سازی انسان مستثنا از این امر نیست.

بند ۳ ماده ۲ پیش‌نویس، در این خصوص اشعار می‌دارد:

«شخص مجرم محسوب می‌شود اگر:

الف) به عنوان شریک در یک جرم مقرر در بندهای ۱ و ۲ این ماده مشارکت نماید.

ب) دیگران را سازماندهی یا هدایت به ارتکاب یکی از جرائم مقرر در بندهای ۱ و ۲ این ماده کند.

ج) در جهت ارتکاب یک یا چندگونه از جرائم مقرر در بندهای ۱ و ۲ این ماده با گروهی از افراد که با هدف مشترک فعالیت می‌کنند، همکاری کند.

چنین مشارکتی عمدی تلقی خواهد شد خواه:

۱) به منظور پیشبرد فعالیت مجرمانه یا اهداف مجرمانه باشد، به‌طوری که چنین فعالیت و هدف مجرمانه‌ای منجر به ارتکاب جرم مقرر در بندهای ۱ و ۲ این ماده شود.

۲) آگاه به قصد این گروه به ارتکاب جرم مقرر در بندهای ۱ و ۲ این ماده باشد».

قسمت بند مزبور، معاونت در ارتکاب این جرم را پیش‌بینی نموده است و وی را به عنوان «مجرم» مستحق تعقیب و مجازات بر اساس قوانین ملی می‌داند.

در این خصوص که آیا «مجرم» تلقی شدن معاون به معنای در حکم مباشر بودن است یا خیر، چند دیدگاه را می‌توان مطرح کرد: نخست اینکه پیش‌نویس تفاوتی بین مباشر، معاون - و چنانکه در بندهای بعدی این ماده مقرر شده - و شرکا قائل است و همه آنها را با عنوان «مجرم» مستحق مجازات واحدی می‌داند.

دیگری اینکه، منظور از «مجرم» مفهوم عام آن بوده و شامل کلیه مباشر، معاون و شرکا می‌شود و یگانگی و دوگانگی آنها به اختیار دول عضو در حوزه حقوق ملی آنان واگذار شده است. با این توضیح که بر اساس سیستم کیفری حاکم بردول عضو، هر دولت در راستای جرم‌انگاری آن پدیده، مختار است که مجازات واحد یا متفاوتی را برای مباشر، معاون و شرکا برگزیند. به نظر می‌رسد که دیدگاه دوم تا حدودی موجه‌تر و قابل قبول باشد. زیرا که میزان تأثیر و نقش مباشر و معاون در ارتکاب جرم برابر نیست و نقش مباشر، معمولاً همیشه مؤثرتر از معاون بوده و از این رو مستحق مجازاتی متفاوت از معاون است و از سوی دیگر چنین استنباطی مطابق با عدالت و انصاف است که هر کس به اندازه نقش و دخالتش، در چرخه عدالت کیفری پاسخ داده شود.

به علاوه می‌توان دیدگاه اخیر را در ماده ۳ پیش‌نویس نیز استنباط نمود که ضمن تأکید بر این مسأله که دول عضو باید در راستای به رسمیت شناختن این جرم در سطح ملی و داخلی، تعهد دهند؛ آنها را مکلف می‌نماید که نظر به شدت اهمیت جرم مقرر شده، خاطی یا بزهکار را مورد مجازات مناسب قرار دهند.

قسمت ب بند ۲ ماده مزبور، به سازماندهی و مدیریت گروهی برای ارتکاب شبیه‌سازی انسان از سوی یک شخص اشاره می‌کند و قسمت ج همین بند نیز به همکاری گروهی و سازمان یافته در راستای اقدام به ارتکاب این پدیده جنائی می‌پردازد که در آن فردی به صورت عمد و آگاهانه در راستای اهداف مشترک آن گروه، بدین امر همت می‌گمارد. با این قید که عمل مزبور عمدی تلقی می‌شود و افاده‌ای نمی‌کند که آیا وی به منظور پیشبرد فعالیت یا اهداف مجرمانه گروه همکاری کرده است یا اینکه از اهداف و مقاصد گروه مذکور مطلع بوده است. در نتیجه، در صورتی که فردی بدون علم و آگاهی از این امر که در حال همکاری با گروهی است که مبادرت به شبیه‌سازی

انسان می‌کند، مشمول این بند از ماده ۲ پیش‌نویس شده و به همین ترتیب است زمانی که فرد در راستای پیشبرد اهداف و فعالیت‌های مجرمانه گروه به همکاری با آن اقدام نکند.

این مورد، گرچه در بادی امر مخالف اصول حقوقی است و عنصر روانی جرم در این موارد موجود نیست اما به خاطر اهمیت موضوع و خطر اجتناب‌ناپذیر آن، اتخاذ شده است. از آنجا که در مقام اثبات عدم قصد به پیش‌نویس بردن فعالیت و همکاری فرد در جهت به پیش بردن مقاصد و فعالیت‌های مجرمانه گروه را عمدی محسوب نموده به همین خاطر، در فرضی که شخص به همکاری پرداخته و در اثر همکاری وی، جرم مقرر شده در بندهای ۱ و ۲ ماده مزبور محقق گردد، یک ماده‌ای خواهد بود بر همکاری وی، جرم مقرر شده در بندهای علم و اطلاع متهم و مقصود وی که همانا پیشبرد فعالیت و اهداف مجرمانه آن گروه باشد. لذا، اگرچه در دعاوی کیفری، مقام عمومی و تعقیب جرم است که اتهام را باید ثابت نماید، در اینگونه موارد، بار اثبات دعوا حالت عکس به خود گرفته و باید متهم عدم قصد خود را اثبات نماید. نکته آخر اینکه به لحاظ اشاره پیش‌نویس در موارد سه‌گانه بند ۳ ماده در خصوص شرکت، معاونت، سازماندهی و مدیریت یک گروه و تشریک مساعی با گروه مجرمانه و تفاوت آنها از نظر شدت و خفت و نیز عنایت به قسمت ب ماده ۳ که به تناسب مجازات بزهکار بر اساس شدت و اهمیت جرم می‌پردازد، می‌توان این چنین نتیجه گرفت که دول عضو مکلفند بر اساس حقوق داخلی خود، نظر به موارد مذکور، برای هر یک مجازاتی که درخور آن باشد؛ مقرر دارند.

ب - عنصر معنوی

برای اینکه فعل یا ترک فعلی به صورت «جرم» ترسیم شود، علاوه بر رکن مادی، به علم و آگاهی فرد مرتکب به انجام عملی که نباید بدان مبادرت ورزد و ترک انجام عملی که باید بدان جامه عمل بپوشاند، نیاز دارد که در قالب «عنصر معنوی جرم» پدید می‌آید. اما این قاعده همیشه اعمال نشده و در مواردی چند پذیرای استثنائاتی است که به موجب آنها، صرف عمل مادی برای تحقق جرم کفایت می‌کند و نیازی به عنصر معنوی ندارد. نظیر پارک اتومبیل در مکانهای ممنوعه.

در این میان، آیا جرم شبیه‌سازی انسان واجد رکن معنوی است یا بدون وجود آن نیز محتمل الحصول است؟ نگاهی به تعریف این جرم در ماده ۲ پیش‌نویس، پاسخ بدین پرسش را آسان می‌کند. در ماده مزبور چنین آمده است که هر کس، «عمداً»، در راستای همانندسازی آدمی، مرتکب عملی شود و به نتیجه مورد نظر نائل آید، مجرم شناخته می‌شود. لذا، بر این اساس، علاوه بر عنصر مادی جرم که فعل ارتكابی بزه‌کار باشد، برای تحقق این پدیده مجرمانه، وجود رکن معنوی جرم نیز ضروری است. معمول است که رکن روانی یا معنوی جرم به دو بعد تقسیم می‌شود: سوءنیت عام و سوءنیت خاص.

سوءنیت عام به معنای قصد فعل است و سوءنیت خاص نیز برابر است با قصد نتیجه که در فعل جنائی موصوف، اقدام عملی بزه‌کار در راستای جرم شبیه‌سازی انسان، سوءنیت عام را تشکیل می‌دهد و قصد خلق موجود زنده، مبین سوءنیت خاص او است. در واقع، سوءنیت خاص که خود سه رکن علم، آگاهی و اراده را دربرمی‌گیرد، بیانگر این است که فرد بزه‌کار، نخست، علم به نامشروع بودن عمل خود دارد. در ثانی، آگاه بر این امر است که عملی که بدان مبادرت می‌ورزد، از سوی مقنن به عنوان پدیده‌ای واجد مجازات پیش‌بینی شده است و بالاخره، با اراده خود بدان جامه عمل می‌پوشاند. از این رو زمانی که فردی با علم، آگاهی و اراده از طریق انتقال هسته سلول پیکری یا انشقاق رویان، به شبیه‌سازی موجودی زنده که عیناً مشابه با دهنده باشد، اقدام نماید و عمل مذکور به خلق موجودی زنده بیانجامد، وی مرتکب جرم شبیه‌سازی شده است و مشمول بند ۱ ماده پیش‌نویس می‌شود.

بند سوم: دامنه جرم‌انگاری شبیه‌سازی انسان

از آنجا که فناوری‌های تولیدمثلی واجد انواع گوناگونی نظیر تلقیح مصنوعی و تلقیح در لوله آزمایش است و گونه‌ای از آن نیز «شبیه‌سازی» است و این گونه اخیر نیز با اهداف خاصی همچون بازآفرینی و درمانی صورت می‌گیرد، در این میان، پرسشی بدین صورت به خاطر خطور می‌کند که در پیش‌نویس مزبور، دامنه این پدیده به عنوان عملی غیرقانونی واجد پاسخ و واکنش، تا چه اندازه است یا به دیگر سخن، آیا منع همه

اشکال آن را شامل می‌شود یا صرفاً گونه‌ای از آنها را در بر می‌گیرد؟ چنانکه پیشتر ذکر شد، در جهت منع این پدیده بویژه محدوده آن میان دول عضو سازمان ملل اجماعی وجود ندارد و با توجه به تنوع شیوه‌های شبیه‌سازی، دول عضو صرفاً بر منع شبیه‌سازی بازآفرینی اجماع دارند و در مورد گونه‌های دیگر بویژه، شبیه‌سازی با اهداف درمانی، تقابل اندیشه‌ها همچنان برقرار است. گرچه با نگاهی به اسناد سازمان ملل، می‌توان استنتاج نمود که نگرش این سازمان نیز به تنهایی بر منع شبیه‌سازی تولیدمثلی محدود است، اما در پیش‌نویس با لحاظ اندیشه تدوین‌کننده آن، منع همه اشکال شبیه‌سازی خواه با اهداف درمانی یا بازآفرینی، پیش‌بینی و در محدوده «جرم» مشمول پیش‌نویس قرار می‌گیرد. بنابراین، چنانکه از عنوان پیش‌نویس نیز آشکار است، دامنه و گستره این جرم، وسیع پیش‌بینی شده و تمامی گونه‌های شبیه‌سازی را در بر می‌گیرد.

۱. مسؤلیت اشخاص حقوقی

اصطلاح اشخاص حقوقی در برابر اشخاص حقیقی که دارندگان اصلی حقوق و تکالیف در اجتماع‌اند، به کار می‌رود و مقصود از آن، گروه‌ها، جمعیتها و انجمنهایی است با حقوق و تکالیف مشترک و متمایز از حقوق و تکالیف افرادی که آنها را تشکیل داده‌اند. در واقع، مفهوم شخصیت حقوقی تعبیری اعتباری از تأسیسی حقوقی است که به مرور زمان و با پیشرفت تمدن پدیده آمده است.^{۱۴} بدین گونه، نهادهای مذکور می‌توانند همانند آنچه قانون برای اشخاص حقیقی شناخته است از حقوقی و تکالیفی برخوردار گردند. مگر حقوق و تکالیفی که با طبیعت انسان ملازمه دارد مانند وظیفه ابوت، زوجیت و مانند آنها.^{۱۵}

سیاست اتخاذی دولتها در ابعاد ملی و بین‌المللی در قبال این نهاد، فراز و فرودهای گونه‌گونی را به همراه داشته است که در فرجام آن، اجتماع انسانی بدان تن داده و تا حدودی پذیرای آن شده است.

^{۱۴} محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۷۸، ص ۲۱.

^{۱۵} همان.

به لحاظ سیاست‌های پریشان اتخاذی دول در عرصه حقوق ملی و بین‌المللی، تا دهه پیشین، مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی در صحنه حقوق بین‌الملل پذیرفته نشده بود. اما، سرانجام، برای نخستین بار در معاهده جنایات سازمان‌یافته فراملی ۲۰۰۰، (معاهده پالمو)،^{۱۶} به عنوان یک اصل نو پا وارد عرصه حقوق کیفری بین‌الملل گردید. زیرا که تلنگری بود بر خاطر تابعان حقوق بین‌الملل و تأملی بود بر این واقعیت که توجه به این امر در دنیای امروزی و لحاظ آن در اسناد بین‌الملل و سرانجام دستیابی به اجماع بین‌المللی در این خصوص نه تنها نیاز جامعه بین‌الملل بلکه یک ضرورت است. متعاقب پیش‌بینی مسئولیت کیفری این اشخاص در معاهده مزبور (ماده ۱۰)^{۱۷}، کنوانسیون جرائم محیط سایبر در ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۱ در بوداپست^{۱۸}، معاهده علیه فساد مالی سازمان ملل ۲۰۰۳ (معاهده مریدا)^{۱۹} به این امر صحنه گذاشت و در ماده ۲۰۱۲ و ۲۱۲۶ با پیش‌بینی مسئولیت جزائی این اشخاص، مجدداً مهر تأییدی بر جایگاه

^{۱۶} Convention of Transnational Organized Crimes, Palermo, 2000.

^{۱۷} ماده ۱۰ معاهده پالمو:

«۱. هر دولت متعاهدی طبق اصول حقوقی خودش اقداماتی را که برای ایجاد مسئولیت اشخاص حقوقی به خاطر جنایات شدید ارتكابی توسط گروه‌های جنایتکارانه سازمان یافته، همچنین به خاطر جنایات مقرر در مواد ۵، ۶، ۸، ۲۳ ضروری باشد، اتخاذ خواهند نمود.
۲. مسئولیت شخص حقوقی طبق اصول حقوقی هر کشوری می‌تواند کیفری، مدنی یا اداری باشد.
۳. چنین مسئولیتی به مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی مرتکب جرم خللی وارد نخواهد کرد.
۴. هر دولت متعاهدی بویژه تضمین خواهد کرد که اشخاص حقوقی که طبق این ماده مسئول تلقی می‌شوند، تابع ضمانت‌های اجرایی مؤثر، متناسب و بازدارنده کیفری یا غیرکیفری بویژه ضمانت‌های اجرایی مالی قرار خواهند گرفت.»

^{۱۸} Convention on Cyber crime, Budapest, 23.XI.2001.

^{۱۹} United Nations Convention against Corruption.

^{۲۰} ماده ۱۲ معاهده جرائم محیط سایبر:

«۱. هر یک از دول متعاهد به گونه‌ای اقدام به وضع قوانین و مقررات خواهند نمود که در صورت لزوم این اطمینان را بدهد که می‌توان شخص حقوقی را به خاطر ارتكاب جرائم مصوب مندرج در این معاهده که در راستای منافع خود مرتکب شده، تحت تعقیب کیفری قرار دهد. این عمل توسط یک شخص که شخصاً یا به عنوان بخشی از ارکان شخصی حقوقی به فعالیت می‌پردازد ارتكاب یافته و اداره و هدایت آن شخص حقوقی را به عهده دارد و اختیارات ذیل را داراست:

الف) اختیار نمایندگی شخص حقوقی

ب) اختیار تصمیم‌گیری از جانب شخص حقوقی

ج) اختیار اعمال نظارت بر شخص حقوقی

این نهاد در حقوق بین‌الملل و اسناد بین‌المللی زد تا اینکه فرایند گذار از اندیشه به عمل را در این زمینه تسهیل کند و جلوه‌ای موجه در صحنه بین‌الملل بدان بخشد. از این رهگذر، پیش‌نویس معاهده منع همه اشکال شبیه‌سازی نیز ماده ۴ را با عنوان «مسئولیت اشخاص حقوقی» بدان اختصاص داده است. این ماده اشعار می‌دارد:

«۱. هر یک از دول عضو، وفق اصول حقوقی خود، تدابیر لازم را برای ایجاد مسئولیت برای اشخاص حقوقی در قلمرو یا تحت قوانین خود اتخاذ خواهند نمود؛ چنانچه شخصی که مسئول اداره یا کنترل این شخص حقوقی است، تحت این عنوان، مرتکب جرم مقرر در ماده ۲ شده، شخص حقوقی مسئول شناخته می‌شود. این مسئولیت می‌تواند کیفری، مدنی یا اداری باشد.

۲. چنین مسئولیتی به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی که طبق این ماده مسئول تلقی می‌شوند تابع ضمانت اجراهای مؤثر، متناسب، بازدارنده کیفری، مدنی و اداری قرار خواهند گرفت. چنین ضمانت‌اجراهایی می‌توانند به صورت مالی باشند».

این ماده دولتهای متعاقد را ملزم می‌کند تا مطابق با نظام کیفری خود، اشخاص حقوقی مرتکب جرم شبیه‌سازی انسان را مجازات نماید. زیرا امروزه، در عمل، به اثبات

←

۲. درکنار مواردی که در بند ۱ آمده است، هر عضو تدابیری وضع خواهد نمود که در صورت لزوم اطمینان دهد در جایی که خلأ سرپرستی یا نظارت توسط شخص حقیقی مندرج در پاراگراف ۱ وجود دارد و این امکان فراهم آمده که جرائم مندرج مصوب در این معاهده توسط شخص حقیقی دیگری بر اساس اختیارات خود در آن مجموعه ارتکاب یابد، امکان اعمال مسئولیت بر آن مجموعه وجود داشته باشد.

۳. مسئولیت شخص حقوقی طبق اصول حقوقی هر کشور عضو می‌تواند کیفری، مدنی یا اداری باشد.

۴. چنین مسئولیتی به مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی مرتکب جرم خللی وارد نخواهد کرد.

۲۱ ماده ۲۶ معاهده علیه فسادهای مالی سازمان ملل:

«۱. هر دولت متعاهدی وفق اصول حقوقی... اقداماتی را که برای ایجاد مسئولیت اشخاص حقوقی مرتکب جرائم مقرر در این معاهده ضروری باشد، را اتخاذ خواهند نمود.

۲. مسئولیت شخص حقوقی، طبق اصول حقوقی هر کشوری می‌تواند کیفری، مدنی یا اداری باشد.

۳. چنین مسئولیتی به مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی مرتکب این جرم خللی وارد کرد.

۴. هر دولت متعاهدی بویژه تضمین خواهد کرد اشخاص حقوقی که طبق این ماده مسئول تلقی می‌شوند، تابع ضمانت‌اجراهای مؤثر، مناسب و بازدارنده کیفری یا غیرکیفری بویژه ضمانت‌اجرائی مالی قرار خواهند گرفت».

رسیده است که همان قابلیت‌هایی را که اشخاص حقیقی و طبیعی برای ارتکاب جرم دارند اشخاص حقوقی نیز برخوردارند. بویژه، با نگاهی به شبیه‌سازی انسان که فرایندی است نیازمند وجود لابراتوارها و امکانات پیچیده و گرانبامه و بیش از آنکه به وسیله افراد حقیقی صورت گیرد، بیشتر به وسیله اشخاص حقوقی است که متبلور خواهد شد، اهمیت پیش‌بینی مسئولیت کیفری اینگونه افراد و خطرات بالقوه و بالفعل آنها بر جامعه انسانی در صورت عدم لحاظ این امر، بیش از پیش پدیدار می‌گردد.

بدیهی است، در این خصوص که این اشخاص مانند اشخاص حقیقی دارای مسئولیت‌اند، اختلافی وجود ندارد. بلکه مسأله اساسی که تقابل اندیشه‌ها را حادث شده است، مسئولیت کیفری این اشخاص بوده و هست که این امر نیز در عرصه حقوق بین‌الملل، نظر به معاهده پالرمو، فساد مالی و اکنون پیش‌نویس معاهده مزبور، جنبه قاعده‌ای عرفی به خود می‌گیرد. پرسشی که در این میان مطرح می‌شود اینکه چرا در عناوین مواد راجع به مسئولیت این اشخاص در معاهدات پیش‌گفته، از عنوان «مسئولیت اشخاص حقوقی» یاد شده است؟ اگر عقیده غالب این است که اختلاف اندیشه‌ها در خصوص جنبه کیفری مسئولیت این اشخاص بوده و در زمینه مسئولیت مدنی آنها اجماع در سطح ملی و بین‌المللی وجود دارد، چرا عناوین مواد راجع به این امر به «مسئولیت اشخاص حقوقی» اختصاص یافته است، حال آنکه بر این اساس می‌بایستی عنوان «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی» برگزیده می‌شد؟

برخی از نویسندگان، در این راستا بر این عقیده‌اند که «اگر یکباره مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به عنوان تنها گزیده قید می‌شد، ضمن اینکه در همان مرحله تدوین و امضاء با مخالفت خیلی از نمایندگانها مواجه می‌گردید، متعاقباً نیز در مرحله تصویب، معاهده به خاطر مغایرت با حقوق داخلی تعداد زیادی از کشورها، اقبال کمتری پیدا می‌کرد».^{۲۲} اگر بتوان با لحاظ اینکه معاهده پالرمو، نخستین سندی است که مسئولیت این اشخاص را پیش‌بینی نمود و به واسطه مخالفتها در قبال آن انتخاب این عنوان را قابل توجیه دانست، به چه دلیل است که این رویه در کنوانسیون فساد مالی سازمان ملل و نیز این

^{۲۲} صادق سلیمی، جنایات سازمان یافته فراملی، انتشارات تهران صدا، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۴۱.

پیش‌نویس، باز به تکرار از همین عنوان استفاده شده است؟ به نظر می‌رسد، پاسخ این ابهام در خود مواد مزبور نهفته است. زیرا به عنوان مثال ماده ۴، پیش‌نویس کنوانسیون منع همه اشکال شبیه‌سازی^{۳۳} با دیدی فراتر از صرف مسئولیت کیفری به این مسأله نظر داشته و در کنار مسئولیت مدنی و اداری یا انتظامی و مالی مسئولیت کیفری را پیش‌بینی نموده است. بنابراین از آنجا که مفهوم مسئولیت اشخاص حقوقی «مفهومی است عام و شامل هرگونه مسئولیت اعم از کیفری، مدنی، اداری یا انتظامی و مالی می‌شود و مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی اخص از این مفهوم است، به نظر می‌رسد که نه تنها تدوین‌کنندگان این معاهدات آگاهانه این عبارت را برگزیده‌اند که وفق اصول و قواعد حقوقی نیز گام برداشته‌اند.

بند چهارم - از تدابیر پیشگیرانه، کشف و تعقیب تا ضمانت اجراهای کیفری

در این قسمت به تدابیر پیشگیرانه (۱)، کشف (۲)، تعقیب (۳) و ضمانت اجراهای کیفری پیش‌نویس (۴) پرداخته می‌شود.

۱. تدابیر پیشگیرانه

یکی از اهداف اساسی پیش‌نویس کنوانسیون منع تمام اشکال شبیه‌سازی انسان را می‌توان «تدابیر پیشگیرانه» از وقوع این پدیده در کنار ضمانت اجراهای کیفری، مدنی، اداری و مالی دانست که ماده ۱۲ بدان اختصاص یافته است. این ماده تصریح می‌نماید که دول عضو باید تمامی اقدامات پیشگیرانه ممکن را در جهت جلوگیری از وقوع جرم شبیه‌سازی انسان اتخاذ نمایند و بویژه، قسمت‌های الف و ب بند اول آن متذکر تعهدات دول عضو بر تصریح به تحقیقات مربوط به مواد ژنتیکی انسانی و نظارت بر مراکز تحقیقاتی در این زمینه می‌گردد. این ماده با بیان گسترده‌ای، هر یک از دولت‌های

^{۳۳} ماده ۱۰ کنوانسیون پالرمو و ماده ۳۹ کنوانسیون سازمان ملل در مورد فساد مالی.

متعاهد را مجاز می‌نماید که مطابق با سازمان اداری خود، بهترین و مناسب‌ترین ساز و کار و مکانیسم را برای انجام این تعهدات ترسیم نمایند.

متن این ماده برگرفته از بندهای ۱، ۳ و ۴ ماده ۱۸ کنوانسیون بین‌المللی سرکوب تروریسم مالی است و قسمت‌های ب و ج بند نخست آن نیز برگرفته از بندهای ۱۷ و ۱۸ توصیه‌نامه شماره (۱۹۸۸) ۱۱۰۰ شورای اروپا راجع به استفاده از جنین‌ها و رویان‌های انسانی در تحقیقات علمی در ۲ فوریه ۱۹۸۹ است که به وسیله مجمع پارلمانی شورای اروپا و در چهاردهمین اجلاس‌اش در ۳۰ ژانویه تا ۳ فوریه ۱۹۸۹ به تصویب رسیده است.^{۲۴}

بند ۱ ماده ۱۲، کشورهای عضو را ملزم می‌نماید تا به منظور پیشگیری از گونه‌های متنوع جرم شبیه‌سازی انسان با یکدیگر همکاری نمایند و چنانچه لازم بدانند، با اتخاذ اقدامات پیشگیرانه از این جرم در نظام داخلی خود و مطابقت قوانین داخلی‌شان در زمینه تدابیر پیشگیرانه و دیگر اقدامات لازم، زمانی که این جرم در خارج از کشور و قلمرو آنها روی می‌دهد، همکاری و تشریک مساعی خود را به منصفه ظهور برسانند. از جمله این تدابیر می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

ممنوعیت فعالیت‌های غیرقانونی اشخاص حقیقی و حقوقی. بدیهی است که اولین مسأله‌ای که آمار بزهکاری را در هر جامعه‌ای افزایش می‌دهد و حتی خود بزهکاری را متولد می‌کند، مبادرت و انجام اعمالی است که از منظر حقوق کیفری، هنجار کیفری تلقی می‌شود و اقدام به ارتکاب آن برابر با پاسخ عدالت کیفری. اما به یقین، این وقایع جنائی که به واسطه جریحه‌دار نمودن احتمالی نظم اجتماع و برهم زدن زندگی آرامش معمول جامعه به وسیله آنها، هنجار کیفری قلمداد شده‌اند، فی‌نفسه ظهور نمی‌کنند. بلکه منوط به وجود «وضعیت‌های پیش جنائی»^{۲۵} است که جرقه آغاز «فرایند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه»^{۲۶} می‌باشد و گام اول وضعیت ماقبل جنائی نیز واقعه و

²⁴ Commentary to the draft international Convention on the Prohibition of all forms of human cloning, 2 April 2003, p. 15.

²⁵ Precriminal Situations

²⁶ Acting out

رخدادی است که این اندیشه را در ذهن بزهدکار به تصویر می‌کشد^{۲۷} و چه بسا اینکه غالب اوقات «آماج جرم» بخشی از به تصویر کشیدن این واقعه نباشد. از این رو، سیستم عدالت کیفری در راستای پیشگیری از فعالیت‌های غیرقانونی و گرایش اشخاص جامعه انسانی اعم از حقیقی و حقوقی، باید تدابیری را بیاندهد تا تصور افراد را از مبادرت به ارتکاب به اینگونه اعمال غیرقانونی منحرف نماید. از جمله این تدابیر، خود پیش‌بینی «ممنوعیت اینگونه فعالیت‌ها در قالب مصوبات قانونی» است که به گونه‌ای جنبه پیشگیرانه آن بر عالمان عرصه حقوق کیفری و جرم‌شناسی پوشیده نیست.

پیش‌نویس کنوانسیون نیز به منظور همکاری دول متعاقد در امر پیشگیری از وقوع شبیه‌سازی انسان، با ملزم کردن آنها به این همکاری، تدابیری را نیز در این راستا می‌اندیشد. از این چشم‌انداز، قسمت الف بند ۱ ماده ۱۲ مقرر می‌دارد که دول عضو باید اقداماتی را در جهت ممنوعیت فعالیت‌های غیرقانونی اشخاص و سازمان‌هایی که ارتکاب جرائم شبیه‌سازی را عالماً و عامداً ترغیب یا تحریک یا سازماندهی و اجرا می‌کنند، اتخاذ نمایند. ناگفته پیداست از آنجا که انجام فرایند شبیه‌سازی انسان نیازمند تجهیزات و امکانات و وجود لابراتوارهایی برای انجام این فرایند توسط اشخاص حقیقی است و بدون این ابزارها که غالب اوقات در قالب یک شخص حقوقی متبلور می‌گردد، این امکان وجود ندارد، در بند مزبور، در کنار پیشگیری اشخاص حقیقی، سازمان‌ها و اشخاص حقوقی نیز لحاظ شده است.

به علاوه، نکته‌ای که قابل توجه است، اینکه مبادرت به ترغیب، تحریک، سازماندهی یا ارتکاب جرم شبیه‌سازی از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی باید «عالماً و عامداً» باشد. بدین معنا که در صورت ادعای مباشر، شرکا یا معاون به یکی از موارد مذکور در این بند مبنی بر عدم علم و آگاهی و عمد بر انجام این موارد و بالاخره اثبات آنها، تبرئه می‌گردد و از این گذشته بر این مبنا، بار اثبات اتهام بر عهده مقام تعقیب می‌افتد. در حالی که، انجام فرایند شبیه‌سازی چنان از پیچیدگی برخوردار است که هر کسی را یارای انجام آن نیست و صرفاً افراد معدودی که توانایی انجام آن را دارند، بدان

^{۲۷} ریموند گسن، جرم‌شناسی نظری، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول، اردیبهشت ۱۳۷۴، ص ۱۸۹؛ علی حسین نجفی ابرندآبادی و حمید هاشم بیگی، دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۲۶۹.

مبادرت یا گماشته می‌شوند. بنابراین، چگونه می‌توان علم آنها را نادیده انگاشت و بر این فرض بود که این افراد علم و عمد در انجام و ارتکاب این جرم نداشته‌اند؛ مضاف بر اینکه پیشرفت وسایل ارتباطی نیز صحت این فرض را کم‌رنگ می‌کند. به علاوه، از آنجا که این پدیده به عنوان واقعه‌ای جنائی بین‌المللی، ضرورت اجماع بین‌الملل را بر جنایت انگاشتن آن، که اختلال نظم عمومی بین‌المللی را به همراه دارد، طلبیده است، به نظر می‌رسد که به مثابه سایر جرائم و جنایات بین‌الملل، باید اماره مجرمیت را بر فرض برائت مقدم دانست و بار اثبات عدم علم و عمد مرتکبان به ارتکاب این فعل جنائی را برعهده خود آنان گذاشت.

ضرورت اخذ مجوز قانونی در پروژه‌های تحقیقاتی راجع به ماده ژنتیکی انسانی و الزام متصدیان امور تحقیقاتی به اخذ این مجوز نیز ضرورت ثبت، تصویب و اخذ مجوز قانونی مراکز و نهادهایی که به تحقیق و مطالعه تکنولوژی ژن می‌پردازند، به نوبه خود از جمله تدابیری هستند که در امر پیشگیری از وقوع جرم شبیه‌سازی انسان در پیش‌نویس کنوانسیون مزبور لحاظ شده است. بر این اساس، هرگونه پروژه تحقیقاتی راجع به مواد ژنتیکی انسانی باید واجد مجوز قانونی از مسؤولان و مقامات ذیصلاح در این خصوص و یا یکی از سازمان‌های ملی تخصصی که در این زمینه فعالیت می‌کند و مورد اعتماد نیز می‌باشد، باشند.^{۲۸} از این گذشته، مراکز و مؤسساتی که به فناوری ژن و سایر فعالیت‌ها در این مورد می‌پردازند نیز، ملزم‌اند که از مقامات بهداشت یا مسؤولان علمی و در صورت اقتضا از سازمانی که در این خصوص فعالیت می‌کند، مراتب ثبت، تصویب و اخذ مجوز را به عمل آورند.^{۲۹}

بند ۲ ماده مزبور، کشورهای متعاقد را ملزم نموده که به منظور پیشگیری از جرائم شبیه‌سازی، مطابق با قوانین داخلی خود، اطلاعات صحیح و تأیید شده را با یکدیگر مبادله نموده و تدابیر اداری یا سایر اقدامات اتخاذی را به منظور پیشگیری از این جرائم هماهنگ نمایند. در این مورد می‌توان به اینگونه اقدامات اشاره نمود:

«الف: ایجاد و حفظ شبکه‌های ارتباطی بین نمایندگی‌ها و سرویس‌های ذی‌صلاح

^{۲۸} قسمت (ب) بند ۱ ماده ۱۲.

^{۲۹} قسمت (ج) بند ۱ ماده ۱۲.

در جهت تسهیل تبادل سریع و مطمئن اطلاعات مربوط به کلیه اشکال جرائم مقرر در ماده ۲.

ب: همکاری با یکدیگر در انجام تحقیقات با توجه به جرائم مقرر در ماده ۲، نظیر: شناسایی، ماهیت و محل استقرار و فعالیت افرادی که ظن معقولی وجود دارد که در حال ارتکاب این جرائم‌اند.

انتقال عواید مربوط به ارتکاب این جرائم

دولت‌های متعاقد می‌توانند چنین اطلاعاتی را از طریق پلیس بین‌الملل مبادله نمایند.^{۳۰}

بدیهی است که امروزه پیشرفت علم و تکنولوژی ارتباطات نیز به کمک جامعه حقوقی در ابعاد ملی و بین‌المللی آمده و در بسیاری اوقات مشکلات قبل از تولد ابزارهای ارتباطات را به گذشته سپرده است. دسترسی به امکانات سریع رسانه‌ای و کامپیوتری عاملی شده است که به آسانی اطلاعات و داده‌های راجع به ارتکاب جرائم، اوضاع و احوال ارتکاب، وضعیت مرتکبان، جا و محل اقامت و حضور آنها در سریع‌ترین زمان، محدوده مرزها را در نوردد و به اقصی نقاط کره خاکی برسد. لذا، باز علم و تکنولوژی در عرصه حقوق حماسه آفریده و بویژه مسائل مربوط به جرم‌یابی و انجام تحقیقات را به آسانی ممکن ساخته است.

این امر در بعد بین‌الملل در راستای همکاری جامعه بین‌الملل که در امر مقابله با پدیده‌ای جنائی کمر همت می‌بندد، بیشتر پدیدار می‌گردد. زیرا که مسأله «حاکمیت دولت‌ها» به یک کشور اجازه نمی‌دهد که در جهت کسب اطلاعات راجع به جرم و مرتکبان آن در قلمرو و مسائل داخلی کشور دیگر دخالت نماید. اما در سایه همکاری‌ها و تشریک مساعی آنها، چنین مسأله‌ای رخ نمی‌نماید و آنها می‌توانند به آسانی از طریق این ابزارها، اطلاعات و داده‌هایی که امر پیگیری و تعقیب و تحقیقات را تسهیل نماید و پاسخ درخور مجرمان را هموار سازد، به یکدیگر انتقال دهند. از این منظر، برای رسیدن به این اهداف، خواه در سطح ملی یا بین‌المللی، وجود و حفظ

^{۳۰} قس‌های (الف) و (ب) بند ۲ ماده ۱۲.

شبکه‌های ارتباطی میان نهادها و مراجع ذی‌صلاح در سطح ملی و کشورها در سطح بین‌المللی، نه تنها لازم بلکه ضروری است. از این طریق است که شناسایی، نوع فعالیت، محل افراد مظنون و متهم در قلمرو هر یک از دول عضو فراهم می‌گردد و راه فراری برای مرتکبان نمی‌ماند که از زیر تیغ و شمشیر تیز عدالت بگریزند.

۲. کشف و شناسایی

بی‌تردید، عدم کارایی و شکست اقدامات پیشگیرانه، زمانی آشکار می‌گردد که جرمی اتفاق بیفتد و هنجاری کیفری نقض گردد. از این زمان، چرخه عدالت کیفری به حرکت در می‌آید و «تعقیب و محاکمه» و «اجراء حکم» متهمان و مرتکبان را دنبال می‌کند. اما زمانی می‌توان این شکست «تدابیر بازدارنده» و نیز حرکت این چرخه را در امر تعقیب و محاکمه و اجراء حکم ملموس دانست که جرم وقوع یافته «کشف و شناسایی» گردد.

الف) برقراری شبکه‌های ارتباطی و تبادل اطلاعات در امر کشف

ایجاد شبکه‌های ارتباطی میان آژانس و سرویس‌های ذی‌صلاح در امر تسهیل مبادله سریع و بی‌تردید اطلاعات، گامی مهم و مؤثر در امر کشف جرم شبیه‌سازی انسان به مانند کشف سایر جرائم است. همچنانکه در سطح ملی، برای کاهش جرائم و مقابله با این افعال جنائی، امروزه، در پرتو رشد علوم و دستاوردهای تکنولوژی، ایجاد شبکه‌های ارتباطی در میان نهادهای حکومتی و مراجع صلاحیت‌دار در امر کشف، تعقیب و محاکمه مرتکبان و متهمان ضروری است و ضرورت لحاظ آنها در بعد بین‌الملل نیز امری غیر قابل اجتناب. بدین خاطر که حتی اگر در بعد داخلی کشورها، شبکه‌های ارتباطی میان نهادها و مراجع ذی‌صلاح موجود نباشد، به واسطه فقدان مرزها و تأکید بر اصلی نظیر حاکمیت حوزه‌های استانی و شهری در یک کشور، این امر به طرق دیگر تا حدودی شدنی است و منع نهادی ذیربط را به دنبال ندارد، این مسأله در سطح بین‌الملل با محدودیت‌هایی مواجه است. زیرا که اصل حاکمیت آنها، عدم دخالت در قلمروشان را می‌طلبد و به واسطه علاقه وافر آنها بر تسلط مطلق بر قلمرو و امور داخلی خود، در مقابل هر موردی که دخالت در حوزه آنها را به همراه داشته باشد،

واکنش نشان می‌دهند. لذا، برقراری و حفظ شبکه‌های ارتباطی و مبادله اطلاعات از این طریق برای کشف و شناسایی جرایمی نظیر شبیه‌سازی انسان، در میان دولت‌های عضو، ابزاری کارا و مؤثر خواهد بود، گرچه نباید از جنبه پیشگیرانه و بازدارنده آن نیز غافل ماند.

ب) شناسایی هویت، ماهیت، محل استقرار و فعالیت افراد مظنون

در پرتو وجود همکاری‌های دول متعاقد با یکدیگر و برقراری شبکه‌های ارتباطی میان آنها به سادگی می‌توان هویت افراد مظنون را شناسایی کرد، ماهیت فعالیت‌ها، مشخص و محل استقرار افرادی که ظن می‌رود در حال ارتکاب شبیه‌سازی بشر هستند، آشکار گردد. بدیهی است این امر همچنان که می‌تواند اقدامی در جهت پیشگیری از وقوع این پدیده جنائی باشد، ابزاری است که می‌تواند در صورت وقوع، عامل کشف و شناسایی آن باشد.

ج) ردیابی عواید مربوط به جرم

غالب اوقات بزهکاری و ارتکاب واقعه جنائی خواه از سوی یقه آبی‌ها یا یقه سفیدان در جهت کسب سود و منفعت مالی است که اوضاع و شرایط محیطی اعم از اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی بر این امر دامن می‌زند و روند آن را سریع و دامنه آن را گسترش می‌دهد. لذا، فارغ از رویکردهای جرم‌شناختی، به علت ارتکاب جرم در یک جامعه در راستای پیشگیری از این جرائم که منافع مادی را به همراه دارد، ردیابی این عواید در سطح داخلی کشورها و شناسایی آنها در بعد بین‌الملل از طریق همکاری و تبادل اطلاعات، تدبیری است پویا که از یکسو پیشگیری از وقوع آنها را تعقیب می‌کند. زیرا هدف بزهکاران به مانع برمی‌خورد و آنها را از مبادرت ورزیدن بدان باز می‌دارد و از سوی دیگر در صورت شکست آن، کشف و شناسایی آنها را به همراه دارد. زیرا با شناختی که از اموال ناشی از جرم یا مورد استفاده برای ارتکاب جرم مزبور داریم، با پیگیری آنها به شناسایی مرتکبین و کشف سایر جرائم نائل می‌شویم یا با شناسایی افرادی که رفتار مشکوکی دارند و به‌طور غیرمستعارف دارای ثروت‌های کلان می‌شوند،

تحقیقاتی انجام و به کشف جرائم ارتكابی که منشأ این درآمدها بوده‌اند، نائل می‌شویم.^{۳۱}

۳. تعقیب و تحقیقات مقدماتی

بدیهی است با کشف جرم، در جهت محاکمه و اجراء حکم صادره مبنی بر برائت یا محکومیت متهم یا متهمان، نیاز به انجام اقداماتی است که دلایل، شواهد و قرائن وقوع یا عدم وقوع جرم را به اثبات برساند. این اقدامات تحت عنوان «تعقیب و تحقیقات مقدماتی» جای می‌گیرند که در پیش‌نویس کنوانسیون منع کلیه اشکال شبیه‌سازی انسان نیز با تأسی از بندهای ۱ تا ۴ ماده ۹ کنوانسیون بین‌المللی سرکوب تروریسم مالی، در قالب ماده‌ای با عنوان «تعهد به تحقیق» بدان پرداخته شده است.

الف) انجام اقدامات فوری با دریافت اطلاعات

مرحله بعدی فرایند همکاری دولت‌های متعاقد، متعاقب کشف جرم شبیه‌سازی انسان، تعقیب متهمان و مرتکبان جرم مزبور است که در این راستا، کشورهای عضوی که جرم در آنجا وقوع یافته، دلایل و شواهد در آن موجود یا متهمان یا مرتکبان، حضور یا اقامت دارند، باید با تبادل اطلاعات و تعامل در این زمینه، تحقیقات رسیدگی به جرم مزبور را کامل نمایند و مرحله بعدی این فرایند را هموار نمایند. در این خصوص، بند ۱ ماده ۷ پیش‌نویس اشعار می‌دارد که هر یک از دول عضو باید به محض دریافت اطلاعاتی مبنی بر وجود شخص متهم یا مرتکب جرم شبیه‌سازی بشر در کشور خود، مطابق با قوانین داخلی‌شان، بلافاصله اقدامات لازم را به منظور بررسی صحت و سقم اطلاعات واصله اتخاذ نمایند.

ب) انجام اقدامات مقتضی جهت تعقیب و یا استرداد

بعد از اینکه هر یک از کشورهای عضو مطلع گردند که مرتکب یا متهم جرم

^{۳۱} صادق سلیمی، پیشین، ص ۱۳۷.

مزبور در حوزه اصلی‌شان حضور یا اقامت دارد، باید ابتدائاً از این امر اطمینان حاصل نمایند که آیا خبر واصله صحیح است یا نه. در صورت حصول اطمینان، ملزم‌اند که اقدامات مقتضی را برای تعقیب یا استرداد وی به عمل آورند.^{۳۲} بنابراین، به دنبال قطعیت حضور یا اقامت متهم یا مرتکب دولت عضو، بر اساس مسأله صلاحیت که در ماده ۵ پیش‌نویس مقرر شده، به دو گونه می‌تواند عمل کند: یا اینکه وی را مطابق قوانین داخلی‌اش تعقیب و محاکمه نماید یا که وی را به دولت عضوی که صالح به محاکمه است، استرداد نماید.

از جمله تدابیری که در مرحله تحقیقات مقدماتی پدیدار می‌گردد، مسأله «احاله دادرسی یا انتقال رسیدگی کیفری»^{۳۳} است که در پیش‌نویس مزبور بدان اشاره نشده است. احاله دادرسی در مواردی مطرح می‌گردد که مقام تعقیب یا مقامات دیگر در یک دولت، رسیدگی کیفری به پرونده‌ای که در صلاحیت آنهاست را به وسیله کشور دیگر مناسب‌تر می‌دانند. به نظر می‌رسد که شایسته می‌بود که در پیش‌نویس کنوانسیون موصوف به مانند ماده ۴ کنوانسیون وین ۱۹۸۸، ماده ۲۱ کنوانسیون پالرمو ۲۰۰۰ و ماده ۴۷ کنوانسیون فساد مالی ۲۰۰۳، این مورد پیش‌بینی می‌گردید. زیرا گرچه گاهی اوقات یک دولت، صالح به رسیدگی است اما متعاقب آن، مسائلی نظیر حضور متهم یا مرتکب یا وجود اکثریت شهود، دلایل یا شواهد در کشور دیگر، مناسب‌تر است که دولت دیگر که این دلایل و شواهد در آنجا وجود دارد، امر رسیدگی و محاکمه را به عمل آورد. از این منظر، این امر، چنین امکانی را فراهم می‌سازد و روند رسیدگی به موارد ارتكابی راجع به شبیه‌سازی انسان را نه تنها تسریع بلکه از اطاله آن نیز جلوگیری می‌نماید.

۴. محاکمه و ضمانت اجراها

فرایند دادرسی متشکل از عناصر کشف، تعقیب، تحقیق و محاکمه است که پیشتر به مراحل کشف، تعقیب و تحقیق پرداخته شد. در این مجال جریان محاکمه (الف) و ضمانت اجراهای پیش‌بینی شده (ب) در این پیش‌نویس مورد تدقیق قرار می‌گیرد.

^{۳۲} بند ۲ ماده ۷ پیش‌نویس.

^{۳۳} Transfer of Criminal Proceedings

الف) جریان دادرسی

ناگفته پیداست که اعمال ضمانت اجراهای سیستم عدالت کیفری و همگانی هر چه بیشتر این نظام با آرمان «عدالت»، مستلزم برگزاری جلسه‌ای متعاقب تعقیب و دستیابی ادله کافی بر اثبات بزهکاری متهم یا متهمان است. لذا، بازیگران این جلسه را افراد متهم، بزه‌دیده و نماینده جامعه با ریاست قضات تشکیل می‌دهند و از این منظر در پرتو اندیشه‌های منصفانه و عدالت‌مند، این اصحاب خواه متهم، بزه‌دیده، مطلع و شهود باید از حقوقی که مستحق‌آند، برخوردار باشند. در این بند، به جریان محاکمه و حقوق بازیگران آن پرداخته می‌شود.

۱. حمایت از حقوق متهم

متهم، رکن بنیادین جریان دادرسی کیفری است که غالب اوقات در نقش بازیگر خلاق و فعال وقوع جرم جلوه‌گر می‌شود. گهگاهی نیز حقوق بنیادینش به واسطه دلایلی زیر قلم نگارندگان حکم به فراموشی سپرده می‌شود. با تولد اندیشه‌های انسان دوستانه و عدالت‌گرا و ظهور نظام حقوق بشر در عرصه بین‌الملل و خلق نسل‌های سه گانه آن، در حوزه حقوق کیفری ملی و بین‌المللی، حمایت از حقوق مسلم متهم به عنوان یکی از طرفین دعاوی کیفری، کانون توجه علمای عرصه علوم جنائی گردید. چنانکه در قلمرو حقوق بین‌الملل، امروزه، اسناد بین‌الملل به صراحت این مسأله را مورد توجه قرار می‌دهند و با عنایت بدان مهر تأییدی بر لزوم و ضرورت لحاظ آن در اسناد بین‌المللی و ملی می‌زنند. در همین راستا، کنوانسیون پالرمو ۲۰۰۰ در بند ۳ ماده ۱۱، بند ۲ ماده ۲۴ و بند ۳ ماده ۲۵ به رعایت حقوق متهم تأکید نموده است و پیش‌نویس کنوانسیون منع کلیه اشکال شبیه‌سازی انسان با گامی به جلوتر به حقوق این بازیگر کیفری، ماده ۱۱ را که بر گرفته از ماده ۱۷ کنوانسیون بین‌المللی سرکوب تروریسم مالی است، بدان اختصاص داده و در بند ۳ ماده ۷ نیز به برخی از حقوق وی که رعایت آن ضروری است، نظر داشته است.

۱-۱. لزوم رفتار منصفانه با متهم

حسب ماده ۱۱ این پیش‌نویس، هر شخصی که بر اساس کنوانسیون بازداشت می‌شود یا هرگونه تدبیر دیگری در خصوص وی اتخاذ می‌گردد یا مورد محاکمه قرار

می‌گیرد، باید رفتار منصفانه‌ای با وی صورت گیرد. من جمله از کلیه حقوق و تضمیناتی که مطابق با حقوق کشوری است که وی در قلمرو آن حاضر است و شرایط قابل اعمال حقوق بین‌الملل نظیر نظام حقوق بین‌الملل بشر، برخوردار باشد.

۲-۱. دسترسی فوری متهم به نماینده کشور متبوعش

دولت‌های متعاقد بر مبنای بندهای ۱ و ۲ ماده ۷ پیش‌نویس، با دریافت اطلاعاتی مبنی بر اقامت یا حضور مرتکب یا متهم جرم شبیه‌سازی انسان در قلمرو آنها، بلافاصله اقداماتی را برای بررسی این خبر و نیز در صورت حصول اطمینان از این امر، اقدام مقتضی در خصوص تعقیب یا استرداد وی را اتخاذ می‌نمایند. در این صورت اگر فرد متهم یا مرتکب دستگیر گردد، وی محق خواهد بود که در کوتاه‌ترین زمان به نزدیک‌ترین نماینده کشور متبوع خود یا نماینده‌ای که در هر حالت ملزم به حفظ حقوق وی است دسترسی داشته باشد و در صورتی که بدون تابعیت باشد با نماینده کشوری که معمولاً در آن اقامت دارد، تماس بگیرد.^{۳۴}

چنین اقدامی باعث می‌شود متهم بتواند در اسرع وقت شرایط لازم برای دفاع از خود را در سرزمینی که به احتمال زیاد، خویش و آشنایی ندارد، از طریق نماینده کشور متبوعش، یا نماینده کشوری که در آن اقامت دارد، در صورتی که فاقد تابعیت باشد، فراهم نماید.

۳-۱. حق دیدار با نماینده کشور محل دستگیری

متهم می‌تواند و محق است که با نماینده کشوری که در آنجا توقیف شده است، دیداری داشته باشد. بدیهی است امروزه، در عرصه حقوق بین‌الملل، تبعه کشور خارجی جلوه‌ای است از حاکمیت یک دولت و توقیف وی، دخالت در امور آن کشور تلقی می‌گردد. لذا، این مسأله از چنان اهمیتی برخوردار است که در صورت توقیف وی، مستحق می‌گردد در جهت حمایت از حقوق وی و نیز دفاع از خود، با نماینده آن دولت در خصوص شرایط آن به گفتگو بنشیند.

۴-۱. اطلاع فوری از حقوق پیش‌گفته

^{۳۴} قسمت (الف) بند ۳ ماده ۷ پیش‌نویس.

در نظام آئین دادرسی کیفری ملی، ضرورت اطلاع فوری از اتهام و تفهیم آن و نیز اطلاع فوری از حقوقی نظیر حق سکوت یا داشتن وکیل، قاعده‌ای است غیر قابل انکار که در اکثریت قریب به اتفاق کشورها بدان تأکید گردیده است.^{۳۵} در پیش‌نویس کنوانسیون مزبور، با گامی فراتر از سایر اسناد بین‌المللی اخیر، دولت‌ها مکلف شده‌اند که به محض دستگیری فرد متهم یا مرتکب، وی را از حق دسترسی فوری به نماینده کشور متبوع خود یا هر فردی که ملزم به حفظ و حمایت از حقوق اوست و نیز حق دسترسی فوری به نماینده محل اقامتش در صورت عدم تابعیت و بالاخره حق ملاقات با نماینده کشور متوقف شده در آن داشته باشد. چنین حقی متهم را قادر می‌سازد در جریان فرایند دادرسی عادلانه، بدون تضییع حق و حقوق خود، با دسترسی به حداکثر ابزارهای تمهیدی حمایت از حقوق خود، محاکمه گردد.

۲. حمایت از حقوق بزه‌دیده

بزه‌دیده، دیگر بازیگر سناریوی پدیده مجرمانه است که نقش منفعلی را بازی می‌کند. این بازیگر که گاهی روی دیگر واقعه مجرمانه نامیده می‌شود،^{۳۶} در مسیر تاریخ و تحولات حقوق کیفری فراز و نشیب‌های گونه‌گونی را سپری نموده است.^{۳۷} چنانکه گاهی عاملی برای ارتکاب جرم^{۳۸} و حتی مقصر در وقوع آن تلقی می‌گردد^{۳۹} و زمانی فرد بیگناهی که به ناگاه گرفتار این سناریو می‌شود و خالق تراژدی ناخواسته‌ای می‌گردد که اذهان بشریت را چنان به خود معطوف می‌نماید که حمایت از وی و ترمیم

^{۳۵} محمد آشوری، آئین دادرسی کیفری، ج ۲، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۹، صص ۸۶ و ۸۷.

^{۳۶} علی حسین نجفی ابرندآبادی، *تقریرات درس جرم‌شناسی*، کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، نیم سال اول ۸۳-۱۳۸۲.

^{۳۷} علی حسین نجفی ابرندآبادی، *تقریرات درس تاریخ حقوق کیفری*، کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، نیم سال اول ۸۲-۱۳۸۱.

^{۳۸} محمد آشوری، *عدالت کیفری*، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۱۹۸.

^{۳۹} لعیا جنیدی، «تقصیر زیان‌دیده»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۴۶، زمستان ۱۳۷۸، ص

خسارات مادی، معنوی، روانی - عاطفی وی ضرورت انگاشته می‌شود.^{۴۰} امروزه حقوق کیفری بزه‌دیده‌مدار^{۴۱} - جدای از ماندگاری بزه‌دیده‌شناسی علمی (اولیه) و تأکید آن بر نقش بزه‌دیده بر وقوع فعل جنائی^{۴۲} - بازوی فعال و پُرزور سیاست جنائی تلقی می‌گردد^{۴۳} که در راستای اندیشه‌های حمایتی از بزه‌دیده با عنوان «بزه‌دیده‌شناسی حمایتی (ثانویه)»، در سطح بین‌الملل چنان ریشه دوانیده که عنایت تابعان حقوق بین‌الملل را در قالب اسناد بین‌الملل به خود معطوف نموده است. از جمله برایندهای تأثیر این نگرش، می‌توان به قطعنامه مجمع عمومی ۱۹۸۵ سازمان ملل با عنوان «اعلامیه اصول اساسی عدالت راجع به قربانیان بزهکاری و قربانیان سوء استفاده از قدرت»^{۴۴}، قطعنامه ۱۹۹۰ مجمع عمومی دربارهٔ حمایت از حقوق انسانی قربانیان بزهکاری و قربانیان سوء استفاده از قدرت و بند ۳ ماده ۲۵ کنوانسیون علیه جنایات سازمان یافته فراملی ۲۰۰۰ اشاره نمود.

گام دیگر جامعهٔ بین‌الملل در حمایت از حقوق بزه‌دیده، پیش‌نویس کنوانسیون شبیه‌سازی انسان است که در بند ۴ ماده ۶ بدان پرداخته شده است. این بند اشعار می‌دارد:

«هر کشور متعهدی باید ایجاد ساز و کارهایی که بر مبنای آن عواید حاصل از ضبط وجوه مقرر در این ماده در جهت جبران خسارات بزه‌دیدگان جرائم مشمول ماده ۲ یا خانواده‌هایشان اعمال شود را بررسی نمایند».

در این خصوص نکاتی چند قابل ملاحظه است:

^{۴۰} مهرداد رایجیان اصلی، بزه‌دیده در فرایند کیفری، انتشارات خط سوم، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۱، ص ۱۰.

^{۴۱} Victim-based penal law

^{۴۲} ژرار لپز و ژینا فیلیزولا، بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه روح‌الله کرد علی‌وند و احمد محمدی، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۱۵.

^{۴۳} عبدالعلی توجهی، «سیاست جنائی حمایت از بزه‌دیدگان»، مجله مجتمعات آموزش عالی قم، سال اول، ش ۴، زمستان ۱۳۷۸، ص ۲۷.

^{۴۴} ماده ۱۲ اعلامیهٔ مزبور از دولت‌ها می‌خواهد در مواردی که جبران خسارت بزه‌دیده به صورت کامل از سوی مجرم به عللی (چون فرار یا فقر وی) یا سایر منابع (چون بیمه و صندوق‌های عام‌المنفعه) عملی نمی‌شود، رأساً تلاش نموده با تخصیص بودجه لازم، خسارت‌های بزه‌دیدگان را تأمین نمایند. نک: عبدالعلی توجهی، پیشین، ص ۴۱.

۱. در بند مزبور، با اشاره به ضبط عواید مربوط به ارتکاب جرم شبیه‌سازی انسان که می‌تواند حاصل از ارتکاب آن باشد یا در جهت تحقق آن استفاده گردیده باشد، صرفاً خسارات «مادی» پیش‌بینی شده است. در حالی که غالب اوقات خسارات معنوی و عاطفی - روانی چنان شدیداند که زمینه‌ساز اختلالات خانوادگی، ابتلا به بیماری و ناسازگاری با اجتماع را به همراه دارد و در مقابل خسارات مادی غیر قابل وصفند.

۲. این بند، جبران خسارت بزه‌دیدگان یا خانواده آنها را از طریق ضبط عواید مد نظر قرار داده است. یعنی از وجوه ضبط شده، خسارات وارد بر آنها جبران گردد. ابهامی که مطرح می‌شود اینکه آیا این امر مستلزم وجود شرایطی نظیر مشخص نشدن بزهکاران و عاملان جرم مزبور است یا اینکه با وجود شناسایی آنها نیز همچنان این الزام وجود دارد؟ در صورت شناسایی بزهکاران، آیا آنها نیز ملزم به جبران خسارت در کنار امر مزبوراند یا خیر؟

در واقع، وظیفه دولت مبنی بر خسارت‌زدایی از بزه‌دیدگان شامل مواردی است که یا فرد مرتکب شناسایی نمی‌شود یا اینکه خسارت وارده به واسطه فرایند دادرسی (نظیر بازداشت) بوده است و در شرایطی که فرد مرتکب موجود باشد، آیا همچنان این امر تکلیفی برای دول محسوب می‌گردد؟ اگر چنین مسأله‌ای با فرض شناسایی مرتکب نیز صادق است، آیا بزهکار نیز مسئول است؟

۳. در کنار بزه‌دیده مستقیم که خود قربانی یا مجنی علیه باشد، بزه‌دیده غیرمستقیم که خانواده عضوی از آن است در کنار جامعه، نیز مورد حمایت قرار گرفته است.

به هر حال، پیش‌بینی این مسأله و حمایت از بزه‌دیده، می‌تواند گامی مثبت و روزنه‌ی امیدی در صحنه بین‌الملل باشد که در آینده نیز این روند به پیش برود و شاهد حمایت همه‌جانبه از قربانیان و بازماندگان پدیده‌های جنائی نظیر شبیه‌سازی باشیم.

نباید ناگفته گذاشت که در کنوانسیون پالمو در کنار حمایت از متهم در مواد پیش‌گفته و بزه‌دیده در ماده ۲۵ و در کنوانسیون فساد مالی در ماده ۳۲، به حمایت از شهود به ترتیب در مواد ۲۴ و ۳۲ پرداخته شده است که در پیش‌نویس کنوانسیون مزبور، جای این امر خالی است. در حالی که ضرورت چنین حمایتی نیز در امر مقابله پیشگیرانه و سرکوبگرانه جامعه بین‌الملل بر اندیشمندان حقوق کیفری و جرم‌شناسی پوشیده نیست. به علاوه در کنوانسیون فساد مالی، با جامعیت بیشتری گذشته از حمایت

از متهم، بزه‌دیده و شهود، حمایت از کارشناسان (ماده ۳۲) و نیز گزارش‌دهندگان (ماده ۳۳) پیش‌بینی شده است که جالب توجه می‌نماید.^{۴۵}

از سوی دیگر، امروزه برای حاکمیت عدالت قضائی، موانع تحقق آن، چه در عرصه حقوق کیفری ملی نظیر فرانسه^{۴۶} و بین‌المللی نظیر کنوانسیون پالرمو^{۴۷} و فساد مالی^{۴۸} به عنوان موضوعی اساسی مورد توجه قرار می‌گیرد که در پیش‌نویس مزبور، چنین امری به چشم نمی‌خورد.

به نظر می‌رسد که امروزه در راستای مقابله همه‌جانبه، حمایت از شهود، مطلعان، گزارش‌دهندگان و متخصصان امر از وقوع چنین پدیده‌ای مجرمانه از یکسو و عنایت به جرم‌انگاری اعمال سدکننده عدالت قضائی^{۴۹} نه تنها نیاز بلکه ضروری است.

ب) ضمانت اجراها

ماحصل انجام فرایند دادرسی، صدور «ضمانت اجراها» اعم از کیفری، مدنی، اداری و مالی است که در مقابل عمل مجرمانه ارتكابی مرتکب یا مرتکبان، حسب مورد، از سوی نظام عدالت کیفری بر آنها باز می‌گردد، با نگاهی به پیش‌نویس، می‌توان ضمانت اجراها را در قالب «مجازات‌ها» و اقدامات تأمینی مالی یعنی «ضبط عواید» دسته بندی نمود.

۱. مجازات

«مجازات» واژه‌ای بس نام آشنا در عرصه حقوق کیفری است که قدمتی به عمر تولد جرم در جامعه انسانی دارد و غالب اوقات، لریزه بر اندام سوژه‌های کیفری می‌اندازد و «جنبه پیشگیرانه» خود را به نوبه خود در جامعه انسانی به تصویر می‌کشد.

^{۴۵} باید یادآوری کرد که حمایت از مطلعان که در کنوانسیون پالرمو بدان پرداخته شده است، در کنوانسیون فساد مالی نیامده است.

^{۴۶} قانون مجازات فرانسه در ماده ۱-۷-۴۳۴ این جرائم را پیش‌بینی نموده است. در این زمینه ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی کشورمان نیز قابل ملاحظه است.

^{۴۷} ماده ۲۳ کنوانسیون علیه جنایات سازمان یافته فراملی (پالرمو ۲۰۰۰).

^{۴۸} ماده ۲۵ کنوانسیون علیه فساد مالی (۲۰۰۳).

^{۴۹} Obstruction of Justice.

بدیهی است، سیاست جنائی اتخاذی جوامع تا چند دهه پیشین، در راستای مقابله با واقعه مجرمانه، با اکتفا بر استراتژی پیشروی، ایدئولوژی امنیت‌گرا و مبتنی بر سرکوبگری را بر موضوعات خود، در صورت تخلف از هنجارهای کیفری تحمیل می‌کرد و چنان تلقی می‌گردید که هر چه مجازات شدیدتر، میزان بزهکاری کمتر.

با شکست چنین استراتژی و ایدئولوژی‌ای، امروزه حقوق کیفری از این ایده عقب‌نشینی کرده و در راستای آرمان کاهش بزهکاری - نه ریشه کن کردن آن - استراتژی تحدید حدود را بر مبنای ایدئولوژی باز پروانه در ابعاد ملی و بین‌المللی پیش گرفته است. چنانکه در بعد ملی، هر کشوری فراخور سیستم کیفری حاکم، بر این امر رهنمون شده و در سطح بین‌المللی نیز اولین جلوه این رویکرد را می‌توان در کنوانسیون علیه جنایات سازمان یافته فراملی ملاحظه کرد.^{۵۰}

پیش‌نویس کنوانسیون موصوف نیز با اختصاص دادن ماده‌ای مستقل به امر پیشگیری و تصریح به تدابیر باز دارنده در طی چند بند، بیانگر رویکردی است که جامعه بین‌الملل بر آن اجماع دارد و از این منظر در کنار ایدئولوژی امنیت‌گرا، پیشگیری از وقوع آنها را وجهه همت خود قرار داده است.

در خصوص ایدئولوژی سرکوبگرانه یا مجازات، در ماده ۳ بدان عنایت گردیده است و دولت‌های متعاقد ضمن تکلیف بر جرم‌انگاری شبیه‌سازی انسان، به اتخاذ مجازات‌های مناسب در قبال آن برحسب شدت و اهمیت آنها ملزم گردیده‌اند. بنابراین، نوع و میزان مجازات‌های مناسب با این پدیده جنائی، به اختیار خود دولت‌های عضو گذاشته شده است.

همانگونه که پیشتر اشاره گردید، چنین امری بدین خاطر است که جامعه بین‌الملل هنوز در این خصوص نتوانسته است، چنانکه در تهیه و تدوین اسناد بین‌الملل به اجماع می‌رسد، در جهت تأسیس نهاد و مرجعی بین‌المللی به منظور کشف، تعقیب، تحقیق و محاکمه و اجراء احکام صادره از سوی آن، به اجماع برسد. بدیهی است که چنین امری حاصل توجه وافر دولت‌ها به حاکمیت خود در عرصه داخلی است که نه مشتاق‌اند

^{۵۰} ماده ۱ این معاهده در راستای بیان اهداف آن، امر پیشگیری را مقدم بر مبارزه سرکوبگرانه و مجازات دانسته است.

تابعان‌شان که جلوه‌ای از حاکمیت آنها تلقی می‌گردد، از چنین مرجعی تعقیب و محاکمه شوند و نه طالبند که رسیدگی به واقعه‌ای مجرمانه نظیر شبیه‌سازی انسان که در قلمروشان اتفاق می‌افتد را مرجعی غیر از مراجع داخلی خود انجام دهد. اما به نظر می‌رسد که می‌توان تأسیس چنین نهادی را قابل توجیه و تا حدودی ضروری دانست و آن را ناقض و در تضاد با اصل مزبور قلمداد نمود. با این بیان که همانگونه که دول متعاهد یک معاهده با هم در خصوص مسأله‌ای و پدیده‌ای مجرمانه و ضرورت جرم‌انگاری و مقابله کیفری و غیرکیفری آن به اجماع می‌رسند و مطابق با آن خود را مکلف به اتخاذ اقداماتی در مورد مسأله مقرر در آن سند، محسوب می‌کنند و چنین امری مخالف با اصل مزبور تلقی نمی‌گردد، بر همین اساس، در صورت پیش‌بینی این چنین نهادی با اختیارات و محدودیت‌های معین در همان سند بین‌المللی نمی‌تواند مخالف اصل حاکمیت آنها باشد.

از سوی دیگر، یقین بر مقابله با واقعه‌ای مجرمانه در عرصه بین‌الملل، مرجعی بین‌المللی برای جامعه عمل پوشاندن به مقصود و اهداف مورد نظر می‌طلبد و اعمال آن در قلمرو ملی، به واسطه چند عنصری بودن جرم و احتمال حضور ارکان برگزارکننده محاکمه در چندین کشور عضو و ضرورت جمع آنها برای تشکیل محاکمه و مواردی از این قبیل، نه تنها دول را به مقصود خود نزدیک نمی‌کند بلکه اطلاع آن، آنها را از مراد خود دور کرده و گاهی اوقات فراموشی آن را در صحنه اجتماع انسانی به همراه دارد؛ امری که تعقیب مجدد آن، منجر به جریحه‌دار شدن نظم عمومی بین‌الملل شده و از منظر جرم‌شناسی عواقب ناخوشایند دیگری را به همراه خواهد داشت و بر جامعه تحمیل خواهد نمود.

۲. ضبط وجوه

ضبط وجوه، گونه‌ای از اقدامات تأمینی از نوع مالی^{۵۱} است که بیشتر جنبه مالی و مادی آن به ذهن متبادر می‌گردد و در راستای بازدارندگی و پیشگیری از وقوع پدیده مجرمانه پیش‌بینی می‌گردد.

پیش‌نویس موصوف، با درک اهمیت موضوع و عنایت به تدابیر پیشگیرانه نظیر

^{۵۱} محمدعلی اردبیلی، پیشین، ص ۱۸۸.

ماده ۱۲ در جهت ممانعت از تحقق واقعه جنائی، با توجه به ماده ۸ کنوانسیون بین‌المللی سرکوب تروریسم مالی، ماده ۶ را به این امر اختصاص داده است. بند ۱ این ماده مقرر می‌دارد که هر یک از دول عضو باید مطابق با اصول حقوقی داخلی خود، اقدامات مناسبی را به منظور شناسایی، ردیابی و انسداد یا توقیف هرگونه وجوه مورد استفاده یا اختصاص یافته برای ارتکاب جرم شبیه‌سازی انسان و نیز عواید حاصل از ارتکاب چنین جرمی به منظور ضبط احتمالی آن اتخاذ نمایند. به علاوه، حسب بند ۲، کشورهای متعاقد مکلف‌اند که تدابیر مقتضی را وفق حقوق داخلی‌شان برای ضبط وجوه مورد استفاده یا اختصاص یافته برای جرم شبیه‌سازی یا عواید حاصل از آن اتخاذ نمایند.

بنابراین، بند نخست به موردی نظر دارد که کشورهای عضو باید از طرقی نظیر شناسایی، ردیابی و انسداد یا توقیف به احراز یکی از موارد مقرر یعنی به کارگیری وجوه برای ارتکاب جرم یا اختصاص آن بدین منظور یا عواید حاصل از آن، همت بگمارند و در این راستا اقدامات مقتضی را ترتیب دهند. حال آنکه بند ۲ به ضبط وجوه^{۵۲} نظر دارد.^{۵۳} یعنی مرحله‌ای بعد از اقدامات پیش‌گفته. حسب بند ۳ ماده مزبور هر یک از دول عضو مختارند که انعقاد توافقات مبنی بر سهیم کردن دیگر دولت‌های عضو را در مورد وجوه حاصل از موارد ضبط مقرر در این ماده، بر مبنای مشخص یا مورد به مورد، مورد بررسی قرار دهند. بند ۴ به حمایت از حقوق بزه‌دیدگان و ضبط وجوه به عنوان ابزاری برای جبران خسارات وارد بر آنها صحبت می‌کند که پیشتر بدان پرداخته شد.

به علاوه ضبط وجوه در ارتکاب جرم شبیه‌سازی یا حاصل از آن شامل حقوق اشخاص ثالثی که با حسن نیت به فعالیت می‌پردازند، نمی‌شود.^{۵۴} اما نکته قابل توجه این است که در این وضعیت، بار اثبات چنین امری بر عهده چه کسی است؟ از آنجا که

⁵² Forfeiture

⁵³ در نظام کیفری کشورمان، «مصادره» معادل واژه Confiscation و «ضبط» معادل Forfeiture انتخاب شده است و واژه «توقیف» معادل Seizure. در پیش‌نویس عنوان ماده Seizure funds است که بنا بر تفکیک بندهای ۱ و ۲ به «ضبط وجوه» ترجمه شده است.

⁵⁴ بند ۵ ماده ۶ پیش‌نویس.

در این سند، بار اثبات جرم بر عهده مقام تعقیب است و همچنان فرض برائت بر اماره مجرمیت مقدم انگاشته شده، به نظر می‌رسد که احراز و اثبات عدم حسن نیت شخص ثالث، مقام تعقیب را با مشکلاتی مواجه می‌سازد و از سوی دیگر روزنه فراری برای افراد سودجو و مبتکر جرم باز می‌گذارد که در قالب شخص ثالث، به اهداف و مقاصد خود نزدیک شوند و از این طریق از چنگال عدالت بگریزند.

نتیجه

در کوتاه سخن، به عنوان نتیجه می‌توان گفت که بنا بر آنچه از نظر گذشت، پیش‌نویس، فرایندی را به تصویر کشیده است که با جرم‌انگاری گونه‌های شبیه‌سازی انسان آغاز می‌گردد و با کشف و شناسایی، تعقیب، تحقیق و محاکمه و سرانجام ضمانت اجرا، با ابتنا بر همکاری دول متعاقد، فرایند مزبور را به پایان می‌رساند و چنانکه مرقوم است، دولت‌های عضو با الزام بر امر تشریک مساعی، وفق حقوق و قوانین داخلی خود، باید به روند مزبور جامه عمل بپوشانند و در این راستا هیچگونه استثنائی از سوی دول مورد پذیرش نیست.^{۵۵}

اگرچه پیش‌نویس، با تأسی از کنوانسیون بین‌الملل سرکوب تروریسم مالی ۱۹۹۹ تهیه گردیده است. به نظر می‌رسد که باید نظر به معاهداتی نظیر کنوانسیون علیه جنایات سازمان یافته فراملی سال ۲۰۰۰ پارمو (ایتالیا) و معاهده علیه فساد مالی ۲۰۰۳ مریدا (مکزیک) بازبینی گردد. عنایت به حقوق متهم و بویژه جبران خسارت وارد بر فرد بزده دیده اعم از مستقیم (خود قربانی یا مجنی علیه) یا غیرمستقیم (خانواده و جامعه) که در قالب «بزه‌دیده‌شناسی حمایتی یا ثانویه» جای می‌گیرد. اگرچه روزنه امیدی است که روند حمایت از این بازیگر منفعل سناریوی پدیده مجرمانه را بیش از پیش در عرصه حقوق کیفری بین‌الملل به همراه داشته باشد، اما دفاع هر چه بیشتر از حقوق این بازیگر منفعل، نیازمند عنایت به ادله، شهود و شواهدی است که باید مورد حمایت قرار گیرد. زیرا برای اثبات وقوع بزهکاری و ارتکاب رخداد جنائی نظیر شبیه‌سازی انسان، حسب مورد، گزارش فرد ناظر آن، نظریه کارشناسی، ادای شهادت

^{۵۵} ماده ۱۳ پیش‌نویس.

یک شاهد و اظهارات یک مطلع نیز دلایلی تلقی می‌شوند که برای حفظ این چنین شرایطی که حامی عدم تضييع حقوق این قربانی می‌شود، باید در این پیش‌نویس به مانند دو معاهده پیش‌گفته پیش‌بینی گردد و به موجب آن، الزامی برای دول متعاقد مبنی بر تعیین ضمانت اجراهای کیفری و غیرکیفری برای عاملان ممانعت از اجراء عدالت قضائی ایجاد گردد.

از سوی دیگر، نظر به اینکه اجماع تابعان حقوق بین‌الملل بر منع یک پدیده و پیشگیری از وقوع آن، بیانگر اهمیت و شدت خطرات آن برای جامعه بین‌الملل و ضرورت پاسخ در قبال آن از سوی جامعه مزبور است. به نظر می‌رسد، برای تضمین هر چه بیشتر مصونیت اجتماع بین‌الملل در مقابل خطرات این واقعه، در مقام بار اثبات وقوع این امر باید اماره مجرمیت را بر فرض برائت مقدم نمود^{۵۶} و به مانند سایر جرائم (جنایات) که در حقوق بین‌الملل واجد پاسخند، بار اثبات عدم ارتکاب این پدیده جنائی را برعهده متهمان گذاشت. به یقین با معکوس کردن بار اثبات جرم، هرگونه مفر بر بزهکاران این رخداد مجرمانه که بیشتر در قالب مجرمان یقه سپید پدیدار می‌گردند، مسدود می‌گردد.

نباید ناگفته گذاشت، در طی روند تکوین این سند بین‌المللی، کشورمان در هیچ مرحله‌ای مشارکت نداشته است. این در حالی است که کشورمان نیز به عنوان تابعی از حقوق بین‌الملل، بایسته است بویژه با تأکید بر آموزه‌های اسلامی که مبین حفظ کرامت انسانی و دفاع از تنوع انسانی است، منع این فناوری را در خصوص آدمی ترغیب نماید. از این رو، در راستای تحقق این آرمان، شایسته و بایسته است که گام بردارد و همگام با دیگر دول، با تشریک مساعی و همکاری با آنها، داعیه منع و جرم‌انگاری این پدیده را در قلمرو حقوق ملی و بین‌المللی سر دهد.

^{۵۶} حمیرا قنبری، «اصل برائت و اماره مجرمیت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. VI, No. 1

2007-1

Articles

- Tendency to Accept Corporations Criminal Liability
- Rule of Laws or Politics: Analysis of the UN Security Council Resolution 1747
- The Apply of Self-Defence for Combating Terrorism
- The Issue of Constitutionalization of the Legal Order
- Insurance of Dowry
- The Responsibility of Offender to Pay Treatment Charges Exceeding the Amount of *Diah*
- Analysis of Mandatory participation of the Executive Branch in Legislation-making Process in Iran's law

Special Issue: Legal Aspects of Reproductive and Therapeutic Cloning

- Legal and Moral Aspects of Cloning
- Human Dignity and Reproductive Cloning
- Different Bases for Prohibiting Human Reproductive Cloning
- Challenges of Therapeutic Cloning
- UN Criminal Policy against Human Cloning

Critique and Presentation

- A Critique on Some Stipulations of the New Act for Administrative Court of Justice
- Reflections on Article 18 of the Amended Act for Formation of Public and Revolutionary Court

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.
The S.D. Institute of Law
Research & Study